



۲۰۱۶/۰۲/۰۶



عبدالرحمن فرقانی

امریکا و بازگشت مجدد؛ آغاز فصل دیگری از جنگ و یا تحکیم استقرار در افغانستان؟

در حالیکه حکومت وحدت ملی افغانستان به همکاری پاکستان، امریکا و چین در آستانه برگزاری مذاکرات مستقیم با طالبان جهت تأمین و تحکیم صلح و ثبات سرتاسری و فراگیر قرار خواهد گرفت، حکومت امریکا به قوماندانی نظامی خویش در افغانستان امر سرکوب کردن گروه داعش را صادر نموده و عضویت افغانستان را در ائتلاف جهانی ضد داعش اعلان مینماید! و بر اساس ادعایی مدیریت و کنترل خط سرحدی (دیورند) میان افغانستان و پاکستان و جلوگیری از تکرار تجربه خروج از عراق به فکر بازگشت لا محدود خویش به افغانستان می افتد! و همزمان با موقف مذکور حکومت پاکستان در صورتیکه شاهد حضور گسترده طالبان افغانی در خاک خویش میباشد، از امریکا می خواهد، تا جنگجویان طالبان پاکستانی را در داخل خاک افغانستان مورد حملات هوایی خویش قرار داده سرکوب نماید!.

اینکه در مورد به میان آمدن و رونما شدن گروه داعش یا دولت اسلامی، طرز تفکر، عملکرد و اعتقادات و مواضع سیاسی... آن تحلیلات متفاوت، گاهی دور از حقیقت و گاهی نزدیک به واقعیت وجود دارد، بحثی است، وسیع و جداگانه و ما به علت طولانی شدن این مقال که اکثر خوانندگان از خواندن مقاله های طولانی به اثر دریافت مطالب مختصر و تازه از فیسبوک، توئیتر... ابا می ورزند، غرض نظر نموده به اصل مطلب و مقصد نوشتار خویش تمرکز مینمایم.

نخست همه این حقیقت را شاهد استند، که داعش یا دولت اسلامی برای بار نخست در عراق تحت شعار مبارزه با نفوذ روز افزون ایران در شرق میانه عرض اندام نموده، و روند تصادم مسلحانه خویش را با شیعیان عراق آغاز کرد و حکومت های استبدادی عربی شرق میانه هم به گونه پنهان به ظهور داعش خیر مقدم گفته مانند گذشته ها در اغفال قرار گرفته به ماهیت، کیفیت و نتایج عملکرد آن وقع نه گذاشته فریب دستگاهی استخبارتی غرب را بدلیل مهار نمودن نفوذ ایران در شرق میانه کما کان می خورد.

کشور های رقیب ایران در شرق میانه بلاخره دارند، طبق شواهد روی صحنه درک میکنند که داعش در حقیقت جهت مهار نمودن نفوذ ایران عرض اندام نه نموده بلکه به منفعت ایران، اسرائیل و غرب بحیث ابزار تطبیق پلان شرق میانه بزرگ تمام میشود و راه را برای بروز کشورهای کوچک در شرق میانه و تقسیم نوین جغرافیایی همواره میکند و اولین تجربه عملی این سیناریو از کردستان عراق آغاز میشود، که درین اواخر پی اعلان استقلال خویش شده اند و دور دیگری ازین تجربه در کشور های شرق میانه توسط اقلیتهای شیعه تطبیق خواهد شد، که یکی از نمونه های آن منطقه شرقی عربستان سعودی است که اکثریت ساکنین آن شیعه مذهب استند و درین اواخر با تحریک و حمایت "حسن نصر الله" مرجع شیعیان لبنان در منطقه مذکور مزاحمت و تشنجات را ایجاد میکنند و داعش به بهانه خصومت با شیعیان در آنجا عملیات انتحاری را انجام میکند، تا ازین طریق امنیت عربستان برهم خورده و بلاخره منجر به تقسیم عربستان شود، هدفی که اسرائیل و امریکا آن را برای از بین بردن حکومت ها و نظام های فعلی دارد و برای ترسیم نقشه شرق میانه بزرگ به آن نیاز دارد.

و اگر همین اکنون دایره نفوذ و سلطه گروه داعش یا دولت اسلامی را جستجو شویم، در میابیم که منطقه شرق میانه ساحه یا حوزه نفوذ مرکزی گروه مذکور را تشکیل میدهد و افغانستان کشور است، که گروه داعش در آن تازه به یک واقعیت مبدل گردیده است و برای نطفه گذاری و تعقیب اهداف جهانی خویش در آن فعالیت های خویش را آغاز نموده است، و آنچنان ظهور گسترده و چشمگیری و مجهز با وسایل را که در منطقه شرق میانه دارد در افغانستان تا کنون ندارد. پس اگر در حقیقت هدف از بین بردن گروه داعش باشد، چرا امریکا به ساحه مرکزی نفوذ داعش که عراق و سوریه است حضور نظامی به هم نمی رساند، و در ساحه نفوذ و ظهور مرکزی آن را سرکوب نه می نماید. در حالیکه روسیه رقیب دیرینه غرب جهت تأمین امنیت و مصالح خویش و متحدین خویش بغرض سرکوب نمودن داعش به آنجا رسیدگی نموده است؟! این موقف امریکا دال برین اینست، که امریکا می خواهد افغانستان را کماکان مانند شرق میانه مرکز جنگ و "وزیرستان" بزرگ نگهدارد و برای اهداف استراتژیکی

خویش که جلوگیری از نفوذ اقتصادی چین و سیاسی و نظامی روسیه و تسلط بر منطقه مالمال انرژي و ثروات لامحدود... میباشد از آن بهر برداری نماید، در غیر از آن بر اساس تعهداتی که حکومت امریکا با افغانستان از قبیل پیمان استراتژییک و پیمان دفاع و امنیت. دارد، شاید تعهدات مذکور کفیل بر آن باشد، و یا حد اقل ملت مظلوم و ستمدیده افغانستان توقع داشت تا در پرتو تعهدات مذکور امریکا در افغانستان در سدد تأمین امنیت و تحکیم استقرار شود و با حکومت وحدت ملی بر اساس تعهدات مذکور جهت تأمین امنیت و رفاه و پیشرفت برای ملت مظلوم افغانستان همکاری نماید!.

باید خاطر نشان ساخت که افغانستان درین راستا قبل از همه نیاز دارد تا سلسله جنگ خانمانسوز با طالبان خاتمه یابد و ظهور داعش که تا کنون یک تهدید بسا بزرگی تلقی نمیشود که در صورت تأمین و تحکیم صلح با طالبان امنیت افغانستان را بر هم زند. اگر اقوام مختلف افغانستان با طالبان به صلح نایل شوند، و مانند گذشته های تاریخی با هم برادروار جهت پیشرفت و تعالی افغانستان دست به کار شوند که حتماً میشوند، پدیده های فرا مرز و فرا فرهنگ افغانستان نمیتواند در خاک افغانستان دسیاس استخبارتی استعمار را پیاده کند.

بناء عزم امریکا مبتنی بر سرکوب نمودن داعش در افغانستان و یا نیل افغانستان عضویت در ائتلاف جهانی ضد داعش عملاً افغانستان را مرکز جنگ خواهد ساخت که زیانبارتر و متفاوت تر از جنگ های چند ده اخیر در افغانستان خواهد بود، جنگی که امریکا آن را در مقابل جبهه "سوریه" برای روسها و متحدینشان در افغانستان بازگشایی مینماید، جنگی که افغانستان به هیچ وجه نیاز به آن ندارد و برای تحکیم ثبات در افغانستان همکاری نخواهد کرد.

ثانیاً طوریکه قبلاً متذکر شدیم حکومت وحدت ملی افغانستان دارد از طریق مذاکرات چهار جانبه راه را برای مذاکرات مستقیم با طالبان هموار کند، و در حالیکه نخستین شرط طالبان برای ثبات و استقرار در افغانستان خروج نیروهای امریکایی و غربی از افغانستان و یا حداقل جدول نمودن این خروج به گونه واضح و روشن است. تصریحات دال بر به تعویق انداختن خروج نیرو های مذکور در پایان سال ۲۰۱۶ میلادی به چه معنی است؟ آیا به تعویق انداختن نیروها مذکور اسباب و علل جنگ را فراهم میکند و یا به ثبات و استقرار افغانستان کمک مینماید؟.

سیاست اعلان شده امریکا با طالبان اینست، که "طالبان" دشمن امریکا نیست چونکه طالبان دارای استراتژی محلی در کشور خویش استند و بر استراتژی جهانی چنان فکر نمیکند، تا تهدید برای امریکا و در مجموع غرب ایجاد کند و امریکا خود تصمیم مواجهه نظامی با طالبان را ندارد، بناء طالبان در مذاکرات مستقیم وجود نیروهای غربی را در افغانستان به مثابه نقطه فشار بر حکومت وحدت ملی افغانستان استفاده خواهند کرد و عملی شدن این شرط را اصلاً قبل از بحث حکومت امریکا منتفی ساخته است، و قتیکه به فکر به تعویق انداختن خروج پلان شده خویش را در پایان سال ۱۹۹۶ می افتد ازینرو مذاکرات با طالبان تحدیدا درین نقط با مشکلات روبرو خواهد شد و این امر به استقرار افغانستان کمک کرده نمیتواند، بلکه راه را برای جنگ کما کان هموار خواهد نمود.

در اخیر باید گفت که بازگشت مجدد امریکا به افغانستان در امر تأمین امنیت و تحکیم استقرار در افغانستان بنا بر تجربه تاریخی استعمار و عملکرد آن در عراق و افغانستان مفید تمام نخواهد شد، بلکه دامنه جنگ را وسیعتر خواهد ساخت.

والله اعلم